

مقدمه

یکی از مهمترین و جذاب ترین نقاط هر شهر، مناظر ورودی آن شهر است که تاثیرگذارترین خاطره هر شهر نیز نشأت گرفته از آن هست در این زمینه مهم ترین کارکرد مبادی ورودی، آفرینش احساس ورود به شهر است که ماحصل تعامل ورود روانی، ورود بصری و ورود فیزیکی هست. مبادی ورودی به عنوان اجزای اصلی ساختار کالبدی و فضایی شهر، از متغیرهای موثر در قضاوت تازه واردین در مورد شهر محسوب می‌شود و از اهمیت خاصی در برنامه ریزی شهری برخوردار است. بر این اساس فرضیه پژوهش حاضر بر این مساله استوار است که به نظر می‌رسد ضعف عملکردی فضای ورودی شهرها ناشی از طراحی نامناسب و شکل گیری بدون برنامه آن می باشد که سبب شده ورودی قادر به پاسخ گویی نیاز مسافریین و ساکنین نباشد و بیش از هر چیز باعث بهم خوردن نظام رفتاری افراد و بروز ناهنجاری‌های رفتاری شده است. در این راستا در این پژوهش با هدف شناخت و تحلیل مبادی ورودی شهرها، سعی بر آن است که جایگاه اینگونه فضاها را به نحوی که شایسته است در شهرها تثبیت نمود و مورد بهره برداری مطلوب قرار داد. بنابراین به منظور عینی نمودن مباحث و دیدگاه‌های مرتبط با مبادی ورودی شهرها، در این پژوهش به بررسی و تحلیل ورودی شهر ملایر، به عنوان یک نمونه مطالعاتی، در قالب مفاهیم سه گانه ورود روانی، ورود بصری و ورود فیزیکی پرداخته شده است. در این راستا ضرورت و اهمیت توجه به ساماندهی مبادی ورودی شهرها، در قالب هویت شهرها نهفته است، بطوریکه ورودی شهرها به عنوان یکی از عناصر کالبدی در ساختار شهر، نمایانگر هویت شهرها هست و در ایجاد خاطره ذهنی از شهر و خوانایی آن به کار می آیند و اینطور به نظر می‌رسد که امروزه کیفیت و کارکرد اینگونه فضاها در شهرها رو به افول نهاده و جهت احیاء آن‌ها، نیازمند توجهی جدی می‌باشند.

پیشینه تحقیق

در زمینه موضوع این پژوهش، مطالعات متعددی صورت گرفته که برخی از آن‌ها به شرح ذیل مطرح می‌باشند:

بحرینی و علی طالب بابل در پژوهشی با عنوان "تدوین اصول و ضوابط طراحی محیطی ورودی شهر" به ارائه الگوهایی جهت پیوند فضای شهر با محیط خارج آن پرداخته اند (بحرینی و علی طالب بابل، ۱۳۸۲).

قریب در تحقیقی با عنوان "ضوابط ساماندهی و معیارهای طراحی شهری برای مبادی ورودی شهرها" به ارائه ضوابط و معیارهایی برای هویت بخشی به این فضاها و همچنین پیشنهاد کاربری‌های خدماتی ویژه مبادی ورودی شهر پرداخته است (قریب، ۱۳۸۲).

قدمی و همکاران در پژوهشی با عنوان "بررسی کیفیت کالبدی و کارکردی مبادی ورودی شهری" به این نتیجه رسیدند که کیفیت کالبدی و کارکردی محدوده مورد مطالعه بر اساس شاخص‌های تحقیق، در سطح نازلی است و در صورت بی توجهی به سیما و هویت شهر آسیب خواهد رساند (قدمی و همکاران، ۱۳۹۰).

قدمی و غلامیان آقا محلی در پژوهشی با عنوان "بررسی کیفیت مبادی ورودی شهرهای گردشگری با تاکید بر جامعه گردشگران" به این نتیجه رسیدند که علیرغم اهمیت مبادی ورودی شهرها، این مولفه در برنامه ریزی و طراحی توسعه شهری محدوده مورد مطالعه، مورد توجه جدی قرار نگرفته است (قدمی و غلامیان آقا محلی، ۱۳۹۰).

نقصان محمدی و ریسمان باف در تحقیقی با عنوان "بررسی فضای ورودی شهرها با رویکرد شهرسازی پایدار" به ارائه مولفه‌های تقویت کننده ابعاد توسعه پایدار برای طراحی مبادی ورودی شهرها پرداخته است (نقصان محمدی و ریسمان باف، ۱۳۹۲).

روش تحقیق

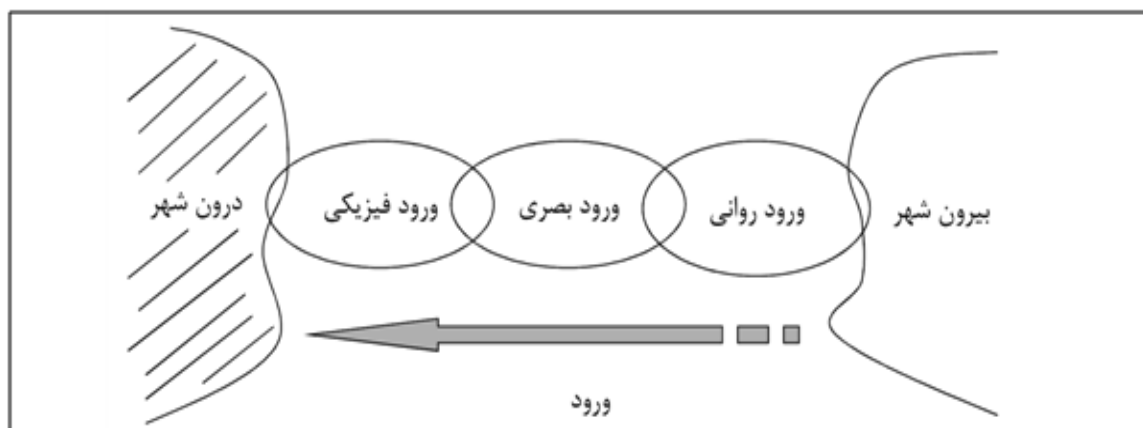
با توجه به ماهیت موضوع و اهداف پژوهش، نوع تحقیق کاربردی و رویکرد حاکم بر فضای تحقیق "توصیفی-تحلیلی" است. نمونه مورد مطالعه در پژوهش حاضر "ورودی شهر ملایر" هست. اطلاعات مورد نیاز این پژوهش به روش میدانی از طریق تهیه عکس و همچنین به روش اسنادی از طریق مجلات و کتب مرتبط با موضوع بدست آمده است و پس از بررسی و شناخت وضعیت موجود محدوده مورد مطالعه در قالب مفاهیم سه گانه "ورود روانی"، "ورود بصری" و "ورود فیزیکی"، به تجزیه و تحلیل آن پرداخته شده است.

دیدگاه‌ها و مفاهیم نظری تحقیق

ادراک محیط، فرایندی است که طی آن فرد به وسیله رمزگشایی از اشاره محیط، به جمع‌آوری اطلاعات می‌پردازد (ماتلاک، ۱۳۷۹: ۵۹۱). بخش اعظم ادراک منظر شهری با توجه به ماهیت عینی آن توسط حس بینایی صورت می‌پذیرد (حسینی و رازقی اصل، ۱۳۸۷: ۸۵). دریافت ادراک شهروندان از کیفیت‌های بصری شهر مستلزم وجود نظم و پیوستگی، هویت، خوانایی، حس جهت‌یابی و کیفیت‌های دروازه‌ای در فضا است (ذکاوت، ۱۳۸۵: ۲۹؛ قاضی‌زاده، ۱۳۷۸: ۱۴؛ قوام پور، ۱۳۸۸: ۷۷؛ مدنی پور، ۱۳۸۷: ۳۳). نحوه ورود به هر فضا، یا به عبارتی ورودی هر فضا، همواره در ذهن افراد جایگاه ویژه‌ای دارد. ورودی هر فضا، اولین مکانی است که با حضور در آن خصوصیات کلی

فضا، آداب و رسوم، حد خصوصی و عمومی بودن و سایر ویژگی‌های فضا کشف می‌شود. به‌واقع با تمهید ورودی برای یک فضا (خواه یک شهر خواه یک محله یا یک بنا) آن فضا برای ساکنانش هویت می‌یابد، تقویت می‌شود، نشانه‌گذاری شده و زنده‌تر نمایان می‌گردد (الکساندر، ۱۳۸۷: ۲۷۷). در این زمینه در لغت‌نامه دهخدا "ورودی" منسوب به ورود دانسته شده و "ورود" در لغت به معنای رسیدن، آمدن و وارد شدن هست. به‌عبارت‌دیگر ورود در لغت به معنای رسوخ و نفوذ به داخل یک پدیده جهت کشف معنا و پیام آن هست. پدیده‌ها مجراهای مشخص و تعریف‌شده‌ای را جهت نفوذ در اختیار مخاطب قرار می‌دهند. این مجراهای نفوذ به داخل پدیده‌ها «ورودی» خوانده می‌شود (ابلقی و پورجوهری، ۱۳۸۵: ۶۶). گروه تیم تن^۱، نقش مهم و حساسی را برای فضای ورودی قائل شده و معتقد است که این فضا، چه در بنا و چه شهر، می‌تواند به‌عنوان بستری برای یک تجربه مطبوع انسانی عمل کند و بنابراین ورود و خروج را آگاهانه نماید. دوگانگی موجود بین داخل و خارج از طریق این فضا که آن را آستانه^۲ می‌نامند و با استفاده از ابزار واسطه‌ای تبدیل به فضایی بامعنی و هدفمند شده و به ایجاد حس هویت می‌انجامد (Smithson, 1974). در این میان، ورودی شهر عرصه دربرگیرنده یک مسیر حرکتی است که جریان ورود به شهر از طریق آن مسیر، میسر می‌شود (ابلقی و پورجوهری، ۱۳۸۵: ۶۶).

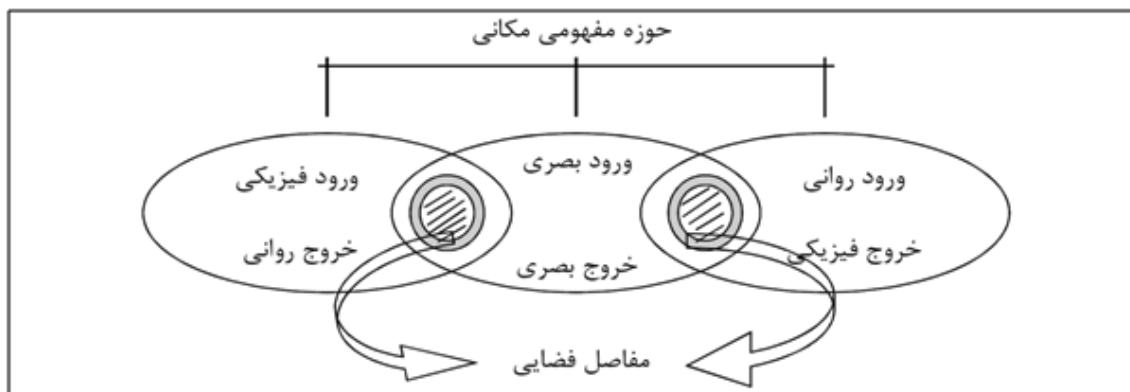
یکی از مهم‌ترین و جذاب‌ترین نقاط هر شهر، مناظر ورودی آن شهر بوده که تأثیرگذارترین خاطره هر شهر نیز نشأت گرفته از آن هست (ظاهری، ۱۳۸۰: ۵). توسعه سریع و پرشتاب شهرها و اشغال بی‌رویه اراضی در فراسوی مرزهای آن موجب تحولات چشمگیری در سیمای حومه و حاشیه شهرها شده است. این نواحی با ساختار فضایی و کالبدی منفصل، پراکنده و بدون انسجام و فاقد هویت عموماً در حول و حوش مسیرهای ارتباطی شهرها شکل گرفته و نیروی حیاتی خود را از آن می‌گیرند (شالین، ۱۳۷۲: ۱۹). محور ورودی شهر فرصت ایجاد تاکیدهای بصری برای القای حس ورود به محیط جدید است که به حس جهت‌یابی کمک کرده و سبب خوانایی سازمان فضایی شهر است (ذکاوت، ۱۳۸۵: ۳۵). ورودی شهر یک مسیر حرکتی (بین بستر طبیعی بیرون شهر با محیط مصنوع درون آن) است که جریان ورود به شهر از طریق آن میسر می‌شود و از شخصیت و هویت مستقلاً برخوردار می‌باشد (روستا و همکاران، ۱۳۸۸: ۹۸). این فضا کارکردهای گوناگون معنوی و عملکردی (اتمام بخش اول و گذار به بخش دیگر) دارد (گنجوی، ۱۳۸۲: ۶). مهم‌ترین کارکرد میدانی ورودی، آفرینش احساس ورود به شهر است که ماحصل تعامل ورود روانی، ورود بصری و ورود فیزیکی بوده (روستا و همکاران، ۱۳۸۸: ۹۹) که به شرح ذیل مطرح هست (تصویر ۱) (ابلقی و پورجوهری، ۱۳۸۵: ۶۶): الف) ورود روانی: در بخش‌های اولیه ورودی، مخاطب به صورت ملموس تغییر کیفیت محیط پیرامون مسیر حرکتی را درک می‌نماید. این موضوع از طریق ظهور علائم، نشانه‌های راهنما و نیز مستحذاتی که متعارفاً در پیرامون شهر واقع می‌باشند (مانند یک گورستان، دانشگاه و...) و یا تغییر آهنگ حرکات وسایل نقلیه ایجاد می‌گردد. این تغییر کیفیت مخاطب را به لحاظ روانی منتظر ورود به شهر می‌کند. در این مرحله هیچ‌گونه نشانه عینی از شهر وجود ندارد. ب) ورود بصری: با ظهور اولین نشانه بصری از شهر، مرحله ورود بصری به شهر آغاز می‌شود. که این نشانه بصری دورنمایی از کل شهر است. در برخی از موارد نیز این نشانه بصری ناشی از تغییر متداوم نسبت عرصه‌های ساخته شده پیرامونی به عرصه‌های رها و ظهور ساخت و سازهای حاشیه‌ای است. ج) ورود فیزیکی: به تدریج و در تداوم حرکت حس نزدیک شدن به شهر به حس حضور در شهر تبدیل می‌شود. آن بخشی از ورودی که ناظر بر حس حضور در شهر می‌باشد عرصه ورود فیزیکی خوانده می‌شود.



تصویر ۱- مراحل ورود به شهر (ابلقی و پورجوهری، ۱۳۸۵: ۶۶)

با توجه به برخورد اولیه مسافران با ورودی شهر، بنابراین کیفیت آن در شکل دهی ذهنیت مخاطبان از شهر، بسیار موثر خواهد بود (قوام پور، ۱۳۸۸: ۷۶). مبادی ورودی شهر به عنوان اجزای اصلی ساختار کالبدی و فضایی شهر، از متغیرهای موثر در قضاوت تازه واردین در مورد شهر محسوب می‌شود و از اهمیت خاصی در برنامه ریزی شهری برخوردار است (Dixon & et al, 2007:78).

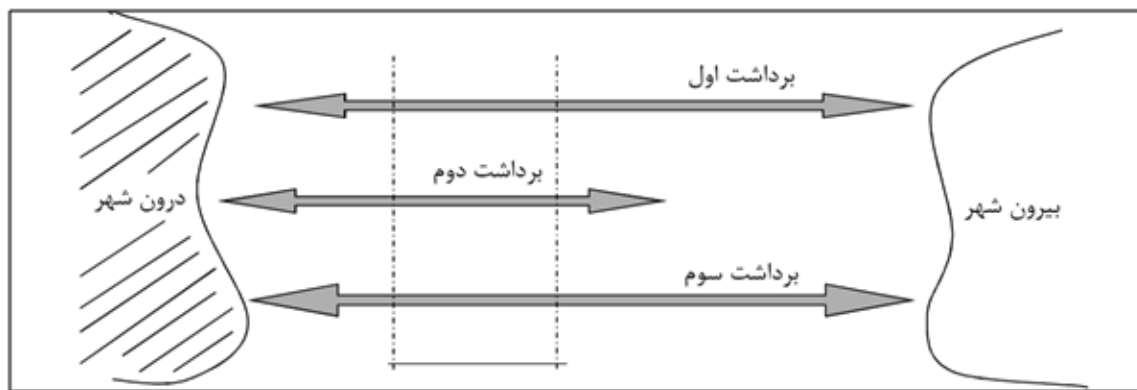
از آنجا که شهر را موجودیتی می‌دانیم که همچون دیگر کل‌ها می‌زیید و رشد می‌کند، برای ورود به مجموعه منظم و زنده شهر باید مفصلی که میان پیکر شهر و بافت حومه ای قرار دارد را طی کرد. این عضو میانی نه حومه است و نه شهر، بلکه مرحله انتقالی میان این دو است. اندازه این عضو بستگی تنگاتنگ با گستردگی حدود شهر و حجم آمد و شد (مسافر و کالا) دارد (نقصان محمدی و ریسمان باف، ۱۳۹۲: ۶۹۵). در برخی موارد ورود از یک فضا به فضایی دیگر روشن و مشخص است و به ساده ترین شکل از طریق رسوخ از یک سطح عمودی می‌تواند صورت گیرد. از سوی دیگر در یک مقیاس بزرگتر شهری، غالباً ورود از یک فضا به فضایی دیگر همراه با بروز تمایزات بین دو فضای مختلف، اغلب به صورت تدریجی و مستلزم ورود از یک یا چند فضای واسطه است. در محیط‌های طبیعی نیز به دلیل تغییر تدریجی ساختار محیط طبیعی، مرحله خروج از یک فضا و ورود به فضای دیگر اغلب تدریجی است (بحرینی و علی طالب بابلی، ۱۳۸۱: ۱۴). در این میان انتقال و حرکت در میان حوزه مفاهیم "ورود روانی"، "ورود بصری" و "ورود فیزیکی" از طریق مفاصل فضایی واسطی صورت می‌پذیرد. این مفاصل فضایی، فصل مشترک حوزه‌های منتسب به مفاهیم درونی ورود می‌باشد که بر روی یکدیگر لغزیده و در هم نفوذ کرده اند (تصویر ۲) (البلی و پورجوهری، ۱۳۸۵: ۶۶):



تصویر ۲- انتقال و حرکت در میان حوزه مفاهیم "ورود روانی"، "ورود بصری" و "ورود فیزیکی" از طریق مفاصل فضایی (البلی و پورجوهری، ۱۳۸۵: ۶۶)

در گذشته یکی از عناصر کالبدی در ساختار شهر، برای تقویت کیفیت نمادین و هویت آن، دروازه بود. این عناصر اصلی و هویتی در ایجاد خاطره ذهنی از شهر و خوانایی آن به کار می‌آیند (شعله، ۱۳۸۵: ۱۹). حس ورود، از طریق رویت حصار و بارو و ظهور کشتزارها و باغات ایجاد شده و اولین تصویر عینی مسافران باروی شهر بود. ویژگی ادراکی دروازه دعوت‌کنندگی، هویت بخشی، ایجاد حس مکان، ایجاد کریدور بصری و ادراکی بین فضای خارج و داخل شهر و به لحاظ عملکردی ارتباط فیزیکی بین فضای خارج و داخل، تامین امنیت و نظارت، هدایت مسافران و معرفی سلسله مراتبی شهر است که بیانگر توجه توأم به شکل، معنا و عملکرد در ورودی شهرهای قدیم است (خادمی و رفیعی جوزم، ۱۳۸۸: ۸۷). شهرهای ایرانی پیش از اسلام نیز چهار دروازه به چهار سوی عالم داشت که با عملکردهای گوناگون و شکل‌گیری فضایی پیرامون دروازه و بسط مفهوم ورودی از یک مرز و یا سطح عمودی برای عبور، به تدریج به فضایی خاص از نظر عملکردی تبدیل شد (بحرینی و علی طالب بابلی، ۱۳۸۲: ۱۵؛ قوام پور، ۱۳۸۸: ۷۷). با گذشت زمان، تحولات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی ناشی از مدرنیته شدن باعث تبدیل فضای ورودی شهر قدیم به کریدوری ورودی با ساختمان‌های زشت و فرسوده، تعمیرگاه، اسقاطی اتومبیل و فضاهای متروکه شده است (خادمی و رفیعی جوزم، ۱۳۸۸: ۸۶). آنچه که امروزه به عنوان ورودی با آن سر و کار داریم، بیش از هر چیز باعث بهم خوردن نظام رفتاری افراد و بروز ناهنجاری‌های رفتاری نیز شده است. به این معنا که بی‌توجهی به طراحی این فضا به عنوان یک مفصل رابط، موجب ورود یکباره افراد به فضاها شده است به نحوی که فرصتی برای تغییر و همساز کردن رفتار با فضای جدید وجود ندارد. این عدم سازگاری رفتار با محیط جدید تأثیری منفی روی محیط گذاشته و به صورت یک ناهنجاری خود را نمایان می‌سازد (پاکزاد، ۱۳۸۶: ۹). مبادی ورودی در کنار معرفی شهر خود تا حدودی باید دارای تشخیص فضایی کالبدی و یا ویژگی‌های ماندگار باشد (قاضی زاده، ۱۳۷۸: ۱۴).

امروزه مبادی ورودی از جمله فضاهای فراموش شده شهرها هستند که با نابسامانی‌های متنوعی مواجه اند (مغازه، ۱۳۸۸: ۹۲). در این فضاها که شهر باید خود را به تازه واردین معرفی کند، نشانی از معماری هنرمندانه و فضاهای صمیمی نبوده و ناظر خود را با جنگلی از تابلو تبلیغاتی، زمین بایر و سطوح کسل کننده خیابان‌های عریض و بی روح مواجه می بیند (قریب، ۱۳۸۲: ۲۹). این نابسامانی‌ها در دو سطح نمود می یابند: اولاً مبادی ورودی از حداقل مولفه‌های خواننده شدن به عنوان یک فضای مطلوب شهری بی بهره اند. ساخت و سازهای پراکنده و بی ارزش در این حوزه (به علت ارزانی زمین خارج از محدوده شهر در گذشته)، آغاز شهر و حد و حدود مشخص کننده آن را بی ربط و بی معنا کرده و بر فقدان برنامه ریزی، توسعه خودرو و عدم نظارت بر مبادی ورودی تاکید می ورزند (مغازه، ۱۳۸۸: ۹۲؛ قریب، ۱۳۸۲: ۲۹). در سطح دوم، فقدان غالب ویژگی‌های کلیدی هیچ سنخیت و تناسبی میان شرایط موجود این حوزه‌ها با کیفیت فضایی مورد انتظار از مبادی ورودی برقرار نمی سازد (مغازه، ۱۳۸۸: ۹۲). حوزه‌های ورود (و خروج) بر اساس برداشت و تصویر ذهنی مخاطبین و بهره وران از موقعیت‌های مکانی متفاوتی برخوردار می باشد. از آنجا که پیدایش حس کامل ورود به یک شهر محصول طی مراحل مفهومی ورود (مفاهیم سه گانه ورود فیزیکی، بصری و بصری) می باشد. از این رو ابتدا و انتهای قطعی و معینی برای مبادی ورودی نمی توان تصور نمود. با وجود آن که ابتدا و انتهای برداشت‌های متنوع از مبادی ورودی یکسان نمی باشد فصل مشترک برداشت‌های متنوع تا حد زیادی دامنه مبادی ورودی، را به تصویر می کشاند. بر این مبنای در تعریف حدود مبادی ورودی، بیش از تعیین ابتدا و انتهای ورودی، توجه به پیکره و بدنه اصلی ورودی که فصل مشترک برداشت‌های متفاوت است، مهم می باشد (تصویر ۳) (ابلقی و پورجوهری، ۱۳۸۵: ۶۶):

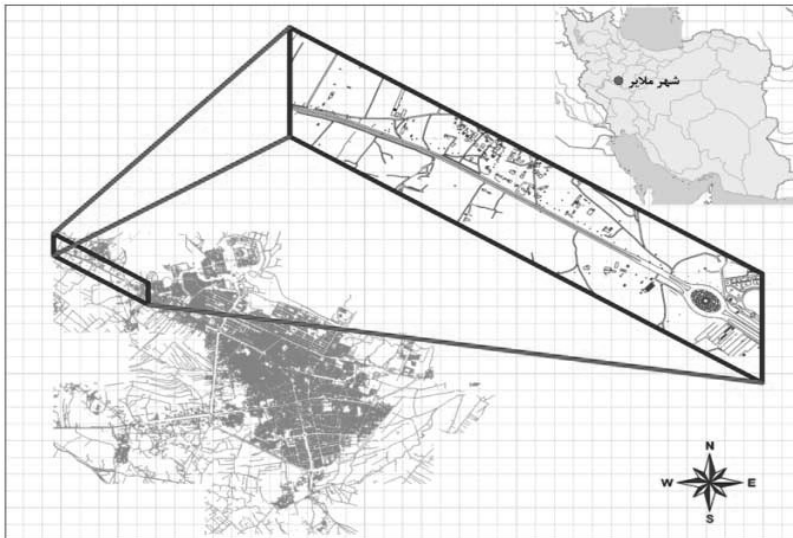


تصویر ۳- فصل مشترک برداشت‌ها (پیکره واحد) (ابلقی و پورجوهری، ۱۳۸۵: ۶۶)

بررسی و تحلیل محدوده مورد مطالعه

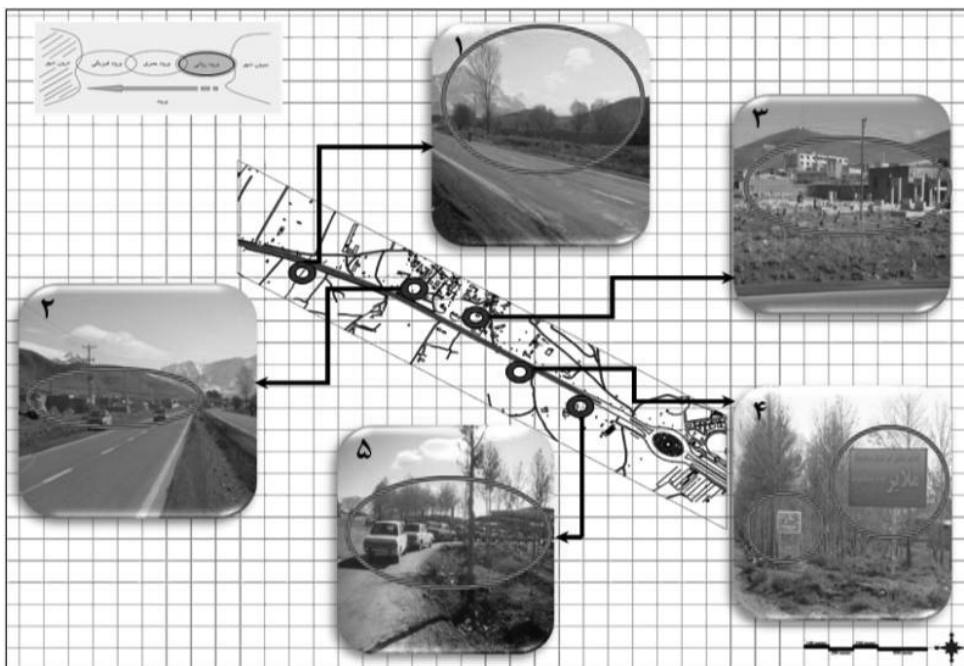
شهرستان ملایر با مساحتی در حدود ۳۲۱۰ کیلومترمربع یکی از شهرستان‌های تابعه استان همدان می‌باشد. از نظر محدوده‌های جغرافیایی، شهرستان ملایر از شمال به شهرستان همدان و تویسرکان، از سمت مغرب به شهرستان نهاوند، از جنوب به استان لرستان (بروجرد) و از سمت شرق به استان مرکزی (شهرستان اراک) محدود می‌شود (مهندسین مشاور زیستا، ۱۳۸۴). این شهر ناحیه‌ای کوهستانی است که از دره و کوه پایه‌های زاگرس تشکیل شده است. آب و هوای ملایر سرد و معتدل هست. جمعیت شهر در سال ۱۳۹۰ برابر با ۱۵۹۸۴۸ نفر گزارش شده که با این آمار ملایر دومین شهر بزرگ استان بشمار می‌رود (access date: 6/13/2014) (www.fa.wikipedia.org).

با توجه به قرارگیری شهر در جنوب شرقی استان، این شهرستان در پیوندی ناگسستگی از نظر طبیعی و همچنین در پیوندی دیرینه از نظر مناسبات اجتماعی- اقتصادی با استان‌های مرکزی و لرستان می‌باشد (مهندسین مشاور زیستا، ۱۳۸۴). محدوده مورد مطالعه، ورودی شهر از سمت همدان را شامل می‌گردد (تصویر ۴). مسیر ورودی شهر در وضع موجود، دارای نابسامانی‌هایی به لحاظ روانی، بصری و فیزیکی بوده که مسبب سیما و منظری نامطلوب در ورودی شهر شده و به نوبه خود کیفیت محیطی شهر را تنزل داده است.



تصویر ۴- محدوده مورد مطالعه (نگارنده)

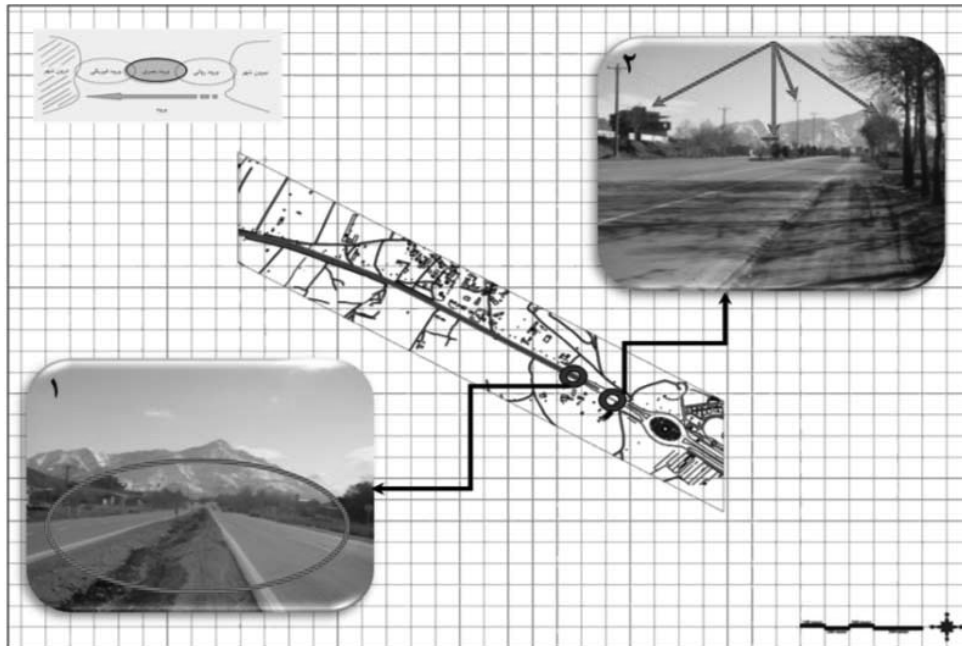
- با توجه به مطالب بیان شده در رابطه با مراحل سه گانه احساس ورود به شهر، در ادامه به بررسی و تحلیل ورودی شهر ملایر در قالب مفاهیم سه گانه "ورود روانی"، "ورود بصری" و "ورود فیزیکی" پرداخته می‌شود.
- در ادامه نشانه‌هایی از احساس ورود به شهر در قالب مرحله "ورود روانی"، بیان شده است (تصویر ۵).
- در این راستا، در طول مسیر ورودی به شهر، نشانه‌هایی بشرح ذیل مطرح است که مخاطب را به لحاظ روانی، آماده ورود به شهر می‌کند:
- ۱- ردیف‌های درختکاری شده در حاشیه جاده
 - ۲- دیواره‌ها و ساختمان‌های ساخته شده در فضاهای پیرامون
 - ۳- تجهیزاتی از قبیل وجود گورستان در طول مسیر
 - ۴- استقرار تابلوها و علائم راهنمایی و رانندگی از جمله تابلو ورود به شهر در حواشی مسیر
 - ۵- وجود تجهیزاتی از جمله پمپ بنزین در طول مسیر



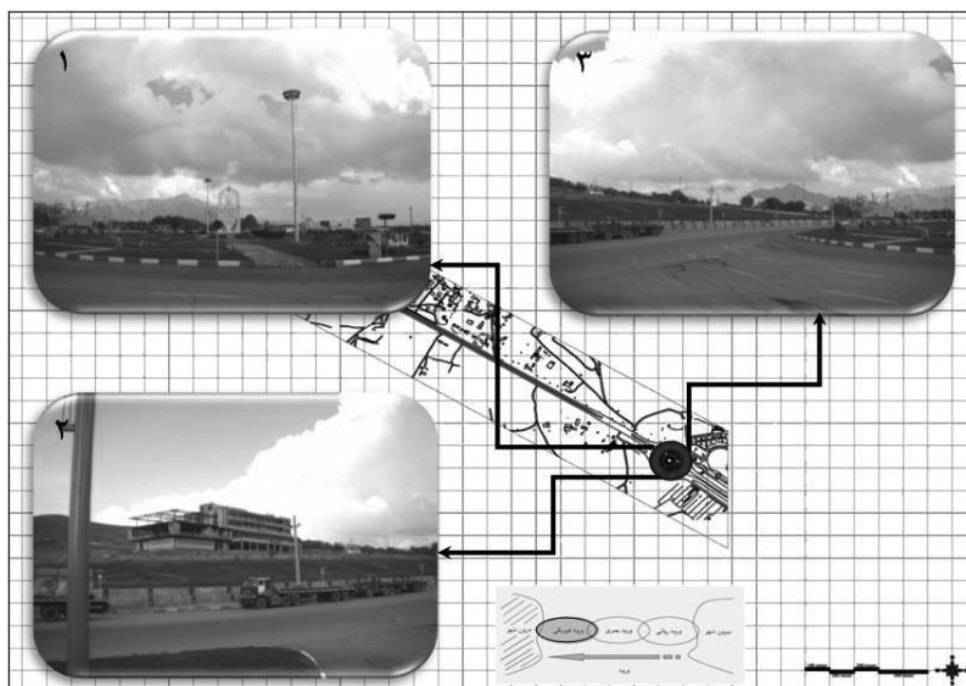
تصویر ۵- مرحله ورود روانی به شهر (نگارنده)

همچنین به نشانه‌هایی از احساس ورود به شهر در قالب مرحله "ورود بصری"، نیز اشاره شده است (تصویر ۶). در این راستا، در طول مسیر ورودی به شهر، نشانه‌هایی بشرح ذیل مطرح است که مخاطب را به لحاظ بصری، آماده ورود به شهر می‌کند:

- ۱- دورنمایی از شهر ۲- علائمی از قبیل: تیر چراغ برق، پرچم‌ها، رفوژ میانی و همچنین هتل در حاشیه جاده
- در همین زمینه نشانه‌هایی از احساس ورود به شهر نیز در قالب مرحله "ورود فیزیکی"، مطرح هست (تصویر ۷). در این راستا، در طول مسیر ورودی به شهر، نشانه‌هایی بشرح ذیل مطرح است که مخاطب را به لحاظ فیزیکی، آماده ورود به شهر می‌کند: ۱- وجود میدان ۲- عرصه‌های ساخته شده ۳- پارک

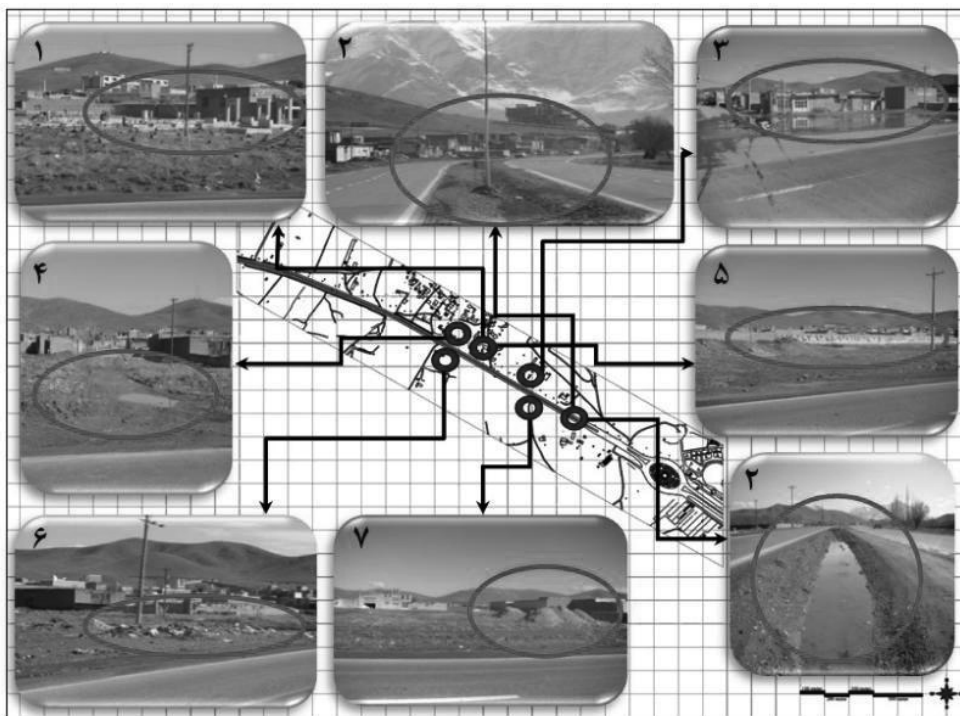


تصویر ۶- مرحله ورود بصری به شهر (نگارنده)



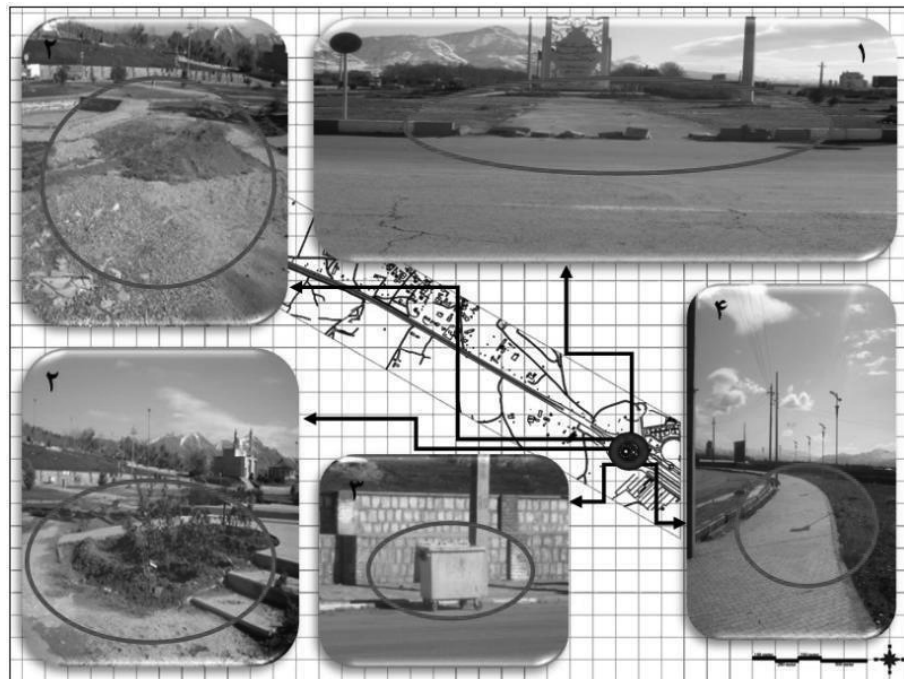
تصویر ۷- مرحله ورود فیزیکی به شهر (نگارنده)

- پس از آشنایی با مراحل سه گانه ورود به شهر ملایر، در ادامه به برخی از نابسامانی‌های موجود در این مراحل اشاره شده است. بر این اساس می‌توان در مراحل "ورود روانی" و "ورود بصری" به معضلاتی بشرح ذیل اشاره نمود (تصویر ۸):
- ۱- وجود گورستان در حاشیه ورودی شهر باعث نابسامانی در سیمای ورودی شهر شده است.
 - ۲- رفیوژ نامناسب در مسیر ورودی شهر، موجب ناخوشایندی در سیمای ورودی شده است.
 - ۳- نابسامانی در سیمای بصری ورودی ناشی از ساختمان‌های مخروبه و دارای نمای ناخوشایند
 - ۴- سیمای ناخوشایندی ورودی ناشی از کف‌سازی‌های نامناسب در حاشیه‌های ورودی
 - ۵- وجود تبلیغات نامناسب در حاشیه‌های ورودی شهر باعث اغتشاشات بصری می‌شود.
 - ۶- ریختن زباله در اطراف جاده، سیمای ناخوشایندی را به ورودی شهر داده است.
 - ۷- نابسامانی در سیمای ورودی ناشی از وجود نخاله‌های ساختمانی در حاشیه ورودی شهر



تصویر ۸- نابسامانی‌های ورودی شهر در مراحل "ورود روانی" و "ورود بصری" به شهر (نگارنده)

- همچنین در مرحله "ورود فیزیکی" به شهر نابسامانی‌هایی بشرح ذیل مطرح هست (تصویر ۹):
- ۱- تخریب جداول حاشیه میدان ورودی شهر
 - ۲- کف‌سازی نامطوب در سیمای بصری ورودی، نامی نامناسبی به ایجاد کرده است.
 - ۳- استقرار نامناسب سطل زباله در حاشیه میدان ورودی
 - ۴- سیمای ناخوشایند ورودی بواسطه ناتمام گذاشتن کف‌سازی در اطراف میدان ورودی



تصویر ۹- نابسامانی‌های موجود ورودی شهر در مرحله "ورود فیزیکی" به شهر (نگارنده)

نتیجه‌گیری

یکی از مهم‌ترین و جذاب‌ترین نقاط هر شهر، مناظر ورودی آن شهر بوده که تاثیرگذارترین خاطره هر شهر نیز نشأت گرفته از آن هست امروزه ضعف عملکردی فضای ورودی شهرها ناشی از طراحی نامناسب و شکل‌گیری بدون برنامه می‌باشد که سبب شده ورودی قادر به پاسخ‌گویی نیاز مسافری و ساکنین نباشد. مبادی ورودی شهر به عنوان اجزای اصلی ساختار کالبدی و فضایی شهر، از متغیرهای موثر در قضاوت تازه واردین در مورد شهر محسوب می‌شود و از اهمیت خاصی در برنامه ریزی شهری برخوردار است. در این میان مهم‌ترین کارکرد مبادی ورودی، آفرینش احساس ورود به شهر است که ماحصل تعامل ورود روانی، ورود بصری و ورود فیزیکی هست. با توجه به برخورد اولیه مسافران با ورودی شهر، بنابراین کیفیت آن در شکل‌دهی ذهنیت مخاطبان از شهر، بسیار موثر خواهد بود. در این راستا در پژوهش حاضر به بررسی و تحلیل ورودی شهر ملایر در قالب مفاهیم سه گانه "ورود روانی"، "ورود بصری" و "ورود فیزیکی" پرداخته شد. مسیر ورودی شهر در وضع موجود، دارای نابسامانی‌هایی به لحاظ روانی، بصری و فیزیکی بوده که مسبب سیما و منظر نامطلوب در ورودی شهر شده و به نوبه خود کیفیت محیطی شهر را تنزل داده است. بر این اساس در محدوده مورد مطالعه معضلاتی از قبیل: وجود گورستان در حاشیه ورودی شهر، رفیوژ نامناسب در مسیر ورودی، نابسامانی در سیمای بصری ورودی بواسطه استقرار ساختمان‌های مخروبه و دارای نمای ناخوشایند، کف‌سازی‌های نامناسب در حاشیه‌های ورودی، وجود تبلیغات نامناسب در حاشیه‌های ورودی شهر، انباشت زباله و نخاله‌های ساختمانی در اطراف جاده و غیره قابل توجه هست. در این زمینه جهت تثبیت جایگاه فضای ورودی در ساختار شهر و رفع نابسامانی‌های موجود آن در مراحل سه گانه ورود به شهر (ورود روانی، ورود بصری و ورود فیزیکی)، پیشنهادهاتی به شرح ذیل مطرح هست که در راستای احیاء ورودی شهر می‌بایست مدنظر قرار گیرد:

- مقطع عرضی مناسب مسیر ورودی متناسب با حجم ترافیک و فعالیت‌های حاشیه مسیر
- اجتناب از جانمایی خدمات و فعالیت‌های جاذب جمعیت در گره‌های مسیر ورودی
- تاکید بر هویت شهر در مبادی ورودی از طریق استقرار نمادهای ویژه آن شهر
- تقویت دید و منظر نسبت به یک یا چند عنصر نشانه‌ای طبیعی یا مصنوعی
- کنترل سرعت وسایل نقلیه در هر سه مرحله ورود
- استقرار نشانه‌ها و نمادهای نشان‌دهنده هویت شهر در مراحل سه گانه ورود به شهر
- ایجاد تسلسل بصری در امتداد مسیر از طریق موضع استقرار نمادها و نشانه‌های خاص
- استفاده از مجموعه‌های حیات مرکزی جهت استقرار فعالیت‌هایی با سیما و ظاهر نامطلوب

– لحاظ نمودن فواصل خالی کمتر و در مقابل، عمق و بر بیشتر حوزه‌های استقرار در فواصل نزدیک تر به شهر و فواصل خالی بیشتر و دارای عمق و بر کمتر با دور شدن از شهر

پی نوشت

- 1 - Team X
2- Door Step

فهرست مراجع

۱. ابلقی، علیرضا و پورجوهری، امیرحسین، (۱۳۸۵). *میادی ورودی شهرها*. آبادی، سال شانزدهم (۵۳)، ۶۶-۷۵.
۲. الکساندر، کریستوفر، (۱۳۸۷). *زبان الگو*. ترجمه رضا کربلایی نوری، انتشارات وزارت مسکن و شهرسازی، تهران.
۳. بحرینی، حسین و علی طالب بابلی، ناهید، (۱۳۸۲). *تدوین اصول و ضوابط طراحی محیطی ورودی شهر*. محیط شناسی، دوره ۲۹، ۱۳-۳۶.
۴. پاکزاد، جهانشاه (۱۳۸۶). *راهنمای طراحی فضاهای شهری در ایران*. انتشارات شهیدی، تهران.
۵. حسینی، سید باقر و رازقی اصل، سینا، (۱۳۸۷). *حرکت و زمان در منظر شهری: انگاره‌ها و مفاهیم اصلی*. مهندسی صنایع و مدیریت تولید، سال نوزدهم (۶)، ۸۳-۸۸.
۶. خادمی، مسعود و رفیعی جوزم، رضا، (۱۳۸۸). *بررسی مولفه‌های کیفیت محیط در فضای ورودی شهرها*، آبادی، سال نوزدهم (۶۲-۶۱)، ۸۴-۸۹.
۷. ذکاوت، کامران، (۱۳۸۵). *چارچوب استراتژیک مدیریت بصری شهر*. آبادی، سال شانزدهم، ۲۶-۳۷.
۸. روستا، مریم؛ خطیبی، محمدرضا و ابوعلی، سمیه، (۱۳۸۸). *تجربه طرح ساماندهی ورودی شهر: محور ورودی سندج از سمت همدان*. آبادی، سال نوزدهم (۶۱-۶۲)، ۹۶-۱۰۱.
۹. شالین، کلود، (۱۳۷۲). *دینامیک شهری یا پویایی شهری*. ترجمه علی اصغر نظریان، انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد، چاپ اول.
۱۰. شعله، مهسا، (۱۳۸۵). *دروازه‌های قدیم در خاطره جمعی شهر معاصر ریشه یابی رشته‌های خاطره‌ای*. هنرهای زیبا، شماره ۲۷ (۲۷)، ۱۷-۲۶.
۱۱. ظاهری، مصطفی، (۱۳۸۰). *بررسی ابعاد موثر در ترکیب منظر ورودی شهر از نقطه نظر برنامه ریزی شهری*. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
۱۲. قریب، فریدون، (۱۳۸۲). *ضوابط ساماندهی و معیارهای طراحی شهری برای میادی ورودی شهرها*. هنرهای زیبا، دوره ۱۵ (۱۵)، ۲۸-۴۱.
۱۳. قدمی، مصطفی و غلامیان آقا محلی، طاهره، (۱۳۹۰). *بررسی کیفیت میادی ورودی شهرهای گردشگری با تاکید بر جامعه گردشگران*. نگرشهای نو در جغرافیای انسانی، سال سوم، ۱۲۱-۱۳۳.
۱۴. قدمی، مصطفی؛ ملکشاهی، غلامرضا؛ اکبری مهام، امیر و محسنی، ایرج، (۱۳۹۰). *بررسی کیفیت کالبدی و کارکردی میادی ورودی شهری*. جغرافیا و توسعه، شماره ۲۱، ۱۸۱-۱۹۷.
۱۵. قوام پور، انسیه، (۱۳۸۸). *منظر ورودی دریچه ادراک شهر*. منظر، دوره ۱ (۳)، ۷۶-۷۷.
۱۶. قاضی‌زاده، سیده ندا، (۱۳۷۸). *فضاهای شهری در بافت‌های تاریخی ایران*. انتشارات شرکت توسعه فضاهای فرهنگی، تهران، چاپ اول.
۱۷. گنجوی، امیر، (۱۳۸۲). *طراحی ورودی شهر کرمان*. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی کرمان.
۱۸. مغازه، وحید، (۱۳۸۸). *کارکردهای شهری ورودی و دروازه*. آبادی، سال نوزدهم، ۹۰-۹۵.
۱۹. ماتلاک، جان. ل. (۱۳۷۹). *آشنایی با طراحی محیط و منظر: جلد اول*. ترجمه سازمان پارک‌ها و فضای سبز شهر تهران، انتشارات سازمان پارک‌ها و فضای سبز، تهران، چاپ اول.
۲۰. مهندسین مشاور زیستا، (۱۳۸۴). *طرح جامع شهر ملایر*. سازمان مسکن و شهرسازی.
۲۱. مدنی پور، علی، (۱۳۸۷). *طراحی فضای شهری نگرشی بر فرآیندی اجتماعی و مکانی*. ترجمه فرهاد مرتضایی، انتشارات پردازش و برنامه ریزی شهری، تهران، چاپ سوم.
۲۲. نقصان محمدی، محمدرضا و ریسمان باف، پریسا، (۱۳۹۲). *بررسی فضای ورودی شهرها با رویکرد شهرسازی پایدار*. مجموعه مقالات همایش معماری و شهرسازی و توسعه پایدار با محوریت از معماری بومی تا شهر پایدار، مشهد: موسسه آموزش عالی خاوران، ۶۹۲-۷۰۰.
23. Dixon, K. Karen & Wolf, L. Kathleen, (2007). *Benefits and Risks of Urban Roadside Landscape: Finding a Livable*. Balanced Response, 3rd Urban Street Symposium, Seattle, Washington.

نحوه بهره‌گیری از انرژی خورشید در طراحی اقلیمی خانه‌های سنتی اقلیم سرد ایران (نمونه مطالعاتی: خانه لطفعلیان ملایر)

سمانه روستائی*، رضا عریانی‌نژاد**

تاریخ دریافت مقاله: ۹۲/۷/۷

تاریخ پذیرش نهایی: ۹۲/۹/۱۲

چکیده

بی شک از بزرگ‌ترین نعمتهای الهی بر روی زمین نور خورشید، آب و باد است. امروزه بشر به این فکر افتاده است که از این نیرویهای عظیم می‌تواند برای راحتی و رفاه هرچه بیشتر انسان‌ها استفاده کند و از طرفی نیز نسبت به ذخیره سوخت‌های فسیلی برای آیندگان هم گامی برداشته باشد. با پیشرفت روز افزون تکنولوژی، استفاده از انرژی‌های تابشی خورشید و باد به عنوان جایگزینی برای سوخت‌های فسیلی، در اختیار بشر قرار گرفته است. مسئله اصلی در معماری معاصر ایران، قطع ارتباط میان معماری بومی و اقلیمی با معماری معاصر است. یکی از سمبل‌های معماری پایدار، معماری سنتی ایرانی است که به بهینه‌سازی مصرف انرژی، هم از لحاظ پایین بودن قیمت اولیه و هم به لحاظ پایین بودن قیمت جاری و کارکردی بنا، پاسخگو بوده است. هدف پژوهش حاضر مرور راه‌حلهای معماری گذشته برای تطبیق با شرایط سخت آب و هوایی و بهره‌گیری از راه‌حل‌ها در معماری امروز می‌باشد. چرا که معماری آن روزها حاصل پروسه متداوم معماری محلی بوده است و جایگاه و پیوستگی آنها توسط آزمون و خطا طی صدها سال آزمایش می‌شده است. و توجه به آن می‌تواند راهگشای دستیابی به راه‌حلهای بسیار ارزشمندی برای استفاده مؤثر از انرژی‌های پاک باشد. روش انجام تحقیق در این پژوهش توصیفی-تحلیلی می‌باشد که با مطالعه منابع اسنادی و کتابخانه‌ای و سپس حضور در نمونه موردی صورت گرفته است. نتایج حاصل از پژوهش با مرور مشخصات کالبدی و اقلیمی معماری منطقه سرد ایران با بررسی موردی خانه لطفعلیان در قالب نقشه‌های معماری، جداول و تصاویر بدست می‌آید و در انتها، راهکارهایی جهت طراحی بناها بخصوص خانه بر پایه هماهنگی و همسویی بیشتر با محیط و بوم منطقه و همچنین بکارگیری اصول معماری گذشته در قالب معماری جدید و بر پایه نیازهای جدید در جهت برآورده کردن نیازهای گرمایشی و سرمایشی و صرفه‌جویی در مصرف انرژی ارائه می‌شود.

واژگان کلیدی

انرژی خورشید، انرژی تجدیدپذیر، طراحی اقلیمی، اقلیم سرد، معماری بومی